

## ارتباط هویت جهانی، هویت ملی، و سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی دانشجویان: نقش تعدیل‌گر جنسیت

عباس رحیمی‌نژاد<sup>۱</sup>، سحر احسانی<sup>۲</sup>، نرگس انسانی‌مهر<sup>۳</sup>، رضا نبی‌زاده<sup>۴</sup>، لاله انسانی‌مهر<sup>۵</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط هویت جهانی، هویت ملی و سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی، به همراه بررسی نقش تعدیل‌گری جنسیت در دانشجویان انجام گرفت. روش تحلیل در این مطالعه توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران بودند که ۲۰۹ نفر (۱۱۰ پسر و ۹۹ دختر) به روش نمونه‌گیری در دسترس وارد مطالعه شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های رضایت از زندگی، هویت جهانی، هویت ملی، و سرمایه روان‌شناختی استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار R انجام گرفت. نتایج نشان داد سرمایه روان‌شناختی و هویت ملی در پیش‌بینی رضایت از زندگی معنی دارند، اما هویت جهانی در حضور دو عامل دیگر نقش معنی‌داری ایفا نکرده است. از طرفی نقش تعدیل‌گر جنسیت در رابطه بین متغیرهای پیش‌بین با رضایت از زندگی معنی‌دار نشد؛ بدین معنا که جنسیت بر جهت و رابطه بین متغیرهای پژوهش تأثیر نگذاشت. بنابراین با توجه به اهمیت رضایت از زندگی و نقش عوامل مختلف در ایجاد و حفظ آن، بهتر است در آینده ارتباط متغیرهایی مانند ابعاد گوناگون هویت و متغیرهای مرتبط در زمینه روان‌شناسی مثبت مانند سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی بیش از پیش مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: رضایت از زندگی، هویت جهانی، هویت ملی، سرمایه روان‌شناختی

۱. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. دانشجوی دکتری روانشناسی سلامت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.  
(نویسنده مسئول: laleh.ensani@gmail.com)
۴. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۵. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### **The Relationship between Global Identity, National Identity and Psychological Capitals with Students' Life Satisfaction: the Moderating Role of Gender**

#### **Abstract**

The current research was conducted with the aim of investigating the relationship between global identity, national identity and psychological capitals with life satisfaction along with investigating the moderating role of gender in students. The analysis method in this study was descriptive and correlational. The statistical population of this research included all the undergraduate students of Tehran University, 209 people (110 boys and 99 girls) were included in the study using available sampling method. To collect data, Satisfaction with Life Scale and global identity, national identity, and psychological capital scales were used. Pearson correlation and multiple regressions were used for data analysis and data analysis was done using R software. The results showed that psychological capital and national identity are significant in predicting life satisfaction, but global identity in the presence of other two parameters did not play a significant role. On the other hand, the moderating role of gender in the relationship between predictor variables and life satisfaction was not significant; this means that gender did not affect the direction and relationship between research variables. Therefore, considering the importance of life satisfaction and the role of various factors in creating and maintaining it, it is better to investigate the relationship of variables such as various dimensions of identity and related variables in the field of positive psychology such as psychological capital with life satisfaction in the future.

**Keyword:** life satisfaction, global identity, national identity, psychological capital, students.

## مقدمه

در تاریخچه روان‌شناسی به وفور به اختلالات روانی مختلف و مسائل منفی زندگی انسان پرداخته شده، اما پس از اینکه سلیگمن<sup>۱</sup> روان‌شناسی مثبت را بنا نهاد، مفاهیم جدید از زاویه تازه‌تری در حوزه رفتار و بهداشت روانی انسان مورد مطالعه قرار گرفت (کامپتون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). روان‌شناسی مثبت<sup>۳</sup> به مطالعه مسائلی می‌پردازد که زندگی را ارزشمند می‌سازد و همچنین درصدد بررسی تجربه ذهنی و ویژگی‌های فردی مثبت است تا زمینه‌های مشترک بهزیستی را فراهم آورد (کار<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). در چند دهه گذشته تحقیقات در زمینه بهزیستی<sup>۵</sup> رشد قابل توجهی داشته است. یکی از رویدادهای بااهمیت در حوزه بهزیستی زمانی رخ داد که دینر تعریفی از بهزیستی ذهنی ارائه نمود؛ بر اساس نظریه دینر، بهزیستی ذهنی شامل بهزیستی عاطفی (عاطفه مثبت و منفی) و رضایت از زندگی<sup>۶</sup> است (راجری، گارسیا-گارزون، مگوایر، ماتز و هاپرت<sup>۷</sup>، ۲۰۲۰). رضایت از زندگی یک ارزیابی شناختی از کلیت زندگی است و قضاوت‌ها در مورد رضایت از زندگی بر پایه معیارهای ذهنی خود فرد، نه لزوماً انعکاسی از شرایط بیرونی است (فرگوسن<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۵)؛ بر این اساس، منظور از رضایت از زندگی نحوه نگرش فرد ارزیابی عمومی نسبت به کلیت یا برخی جنبه‌های زندگی است (دینر، سان، لوکاس و اسمیت<sup>۹</sup>، ۱۹۹۹). پژوهش‌ها حاکی از آن است که هر اندازه رضایت از زندگی بالاتر باشد، موفقیت بیشتر در شغل، افزایش طول عمر، بهبود وضعیت سلامتی را به دنبال دارد و به طور کلی زندگی کاری و خانوادگی بهتری به ارمغان می‌آورد (لوهمن، لوکاس، عید و داینر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۳). بنابراین افرادی با رضایت بالا از زندگی هیجانانگیز مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند و رویدادهای مثبت بیشتری را از گذشته و آینده خود و دیگران به یاد می‌آورند و در کل ارزیابی مثبت‌تری از پیرامون

1. Seligman
2. Compton
3. Positive psychology
4. Carr
5. Well-being
6. Life satisfaction
7. Ruggeri, Garcia-Garzon, Maguire, Matz & Huppert
8. Fergusson
9. Diener, Sun, Lucas & Smith
10. Luhmann, Luca, Eid & Diener

خود دارند و تصور آن‌ها از زندگی خوشایند است (راجری و همکاران، ۲۰۲۰). از آنجا که رضایت از زندگی عامل بسیار مهمی است که جنبه‌های مختلف زندگی افراد را تحت شعاع قرار می‌دهد، بررسی عوامل مرتبط با آن ضرورت دارد. بر اساس پژوهش‌ها عوامل متعددی از جمله دو دسته از عوامل جمعیت‌شناختی (جنسیت، سن، وضعیت تأهل، درآمد و تحصیلات) و عوامل روان‌شناختی (سلامت و بیماری، توانایی عملکردی، سطح فعالیت و روابط اجتماعی) بر بهزیستی ذهنی و رضایت از زندگی اثر می‌گذارند (جوشانلو و جوانوویچ<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰) که در این بین عوامل بیرونی تا حد زیادی رضایت از زندگی را موجب نمی‌شوند، بلکه این مسئله به درون فرد و قضاوت خود او بستگی دارد؛ به همین دلیل است که افراد مختلف در موقعیت‌های مشابه به میزان یکسانی رضایت نشان نمی‌دهند (گیلیگان و هیوبنر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲).

هویت یکی از عوامل مهم درونی است که بر نگرش افراد نسبت به جنبه‌های مختلف زندگی تأثیر می‌گذارد (هالاچو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). یکی از اصلی‌ترین چالش‌های زندگی افراد نبود الگو و ساختار مشخص برای دستیابی به هویت و در نتیجه دسترسی به خویشتن است. عدم شناخت خود از جهات مختلف باعث از دست رفتن فرصت‌های زندگی و در نهایت ایجاد احساس سرخوردگی، بی‌کفایتی و ناکارآمدی می‌شود؛ و بالعکس، در صورت شناخت خویشتن، فرد احساس کفایت و شکوفایی می‌کند و در نهایت آسایش و رضایت روان‌شناختی پدید می‌آید (بیرانوند، خدابخشی کولایی، فلسفی نژاد و بهرام‌آبادی، ۱۴۰۱). هویت به عنوان یک ساختار روانی-اجتماعی درونی که معرف طرز فکر، عقاید و خودپنداره فرد است و نحوه ارتباط فرد با دیگران را نشان می‌دهد، می‌تواند بر رضایت از زندگی تأثیرگذار باشد (انجی، چن، انجی و انجی<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱). با توجه به نقش مهم هویت و گستردگی آن، تا حد زیادی خلأ پژوهشی در زمینه ارتباط انواع و ابعاد آن با رضایت از زندگی وجود دارد. بر این اساس، پژوهشی بیان داشت که هویت فردی، ارتباطی، اجتماعی و جمعی با رضایت از زندگی ارتباط دارد و افرادی که به هویت دست پیدا کرده‌اند

- 
1. Joshanloo & Jovanović
  2. Gilligan & Huebner
  3. Hallajow
  4. Ng, Chen, Ng & Ng

سلامت روان‌شناختی بالاتری نیز دارند. هویت شخصی در این میان ارتباط قوی‌تری با رضایت از زندگی دارد و نشان‌دهنده این است که افراد هرچه هویت شخصی منسجم‌تری داشته باشند، میزان رضایت آن‌ها نیز از زندگی بیشتر خواهد شد (غلامرضایی، عبداللهی مقدم و سهرابیان، ۱۳۹۶). به طور کلی هویت دو جنبه فردی و جمعی دارد: هویت فردی قائل به نظر شخص در رابطه با خودش است و هر چقدر هویت فردی رشد یافته‌تر باشد، میزان بهزیستی و رضایت از زندگی بالاتر است (شپرز و المرز، ۲۰۱۹). در مقابل، هویت جمعی بر تعلق فرد نسبت به اجتماع و گروه‌های انسانی کوچک و بزرگ اشاره دارد. هویت جمعی بخشی از خودپنداره هر فردی است که احساس عضویت در گروه‌های مختلف را به وجود می‌آورد و از ارتباط وی با گروه‌های اجتماعی مختلف نشأت می‌گیرد (دیمیتروا، چاسیوتیس، بندر و ون دویجر، ۲۰۱۳).

در میان انواع مختلف هویت جمعی در این پژوهش، هویت جهانی<sup>۳</sup> و ملی<sup>۴</sup> بررسی و بر ارتباط آن‌ها با رضایت از زندگی اشاره شده است. هویت جهانی شامل هویتی است که بدون توجه به پیشینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگ، ملیت در همه انسان‌ها مشترک است و به جای منافع ملی و قومیتی، منفعت کل جهان را در نظر می‌گیرد (مک فارلند، برون و وب<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳). پژوهش‌ها نشان می‌دهد افرادی که خود را عضوی از جامعه جهانی می‌دانند منافع شخصی آن‌ها تحت تأثیر منافع جهانی قرار می‌گیرد. درست است که رسیدن به هویت ملی-قومی برای رشد فردی ضروری است، اما در دنیای مدرن وابستگی به هویت جهانی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است (پکورتاس و الیتاش<sup>۶</sup>، ۲۰۲۰). هویت جهانی از مؤلفه‌های مختلفی تشکیل شده که شامل آگاهی، تعلق، تعهد و تحمل است. آگاهی همان دانش و باور است؛ تعلق دل‌بستگی و گرایش عاطفی است؛ تعهد مشارکت فعال و عملگرایی است و تحمل مدارایی است که افراد نسبت به عناصر فرهنگ، اجتماع و سیاست جهانی دارند. نحوه شکل‌گیری این عناصر است که نگرش افراد به زندگی و در نهایت اینکه چه مقدار

- 
1. Scheepers & Ellemers
  2. Dimitrova, Chasiotis, Bender & Van de Vijver
  3. Global identity
  4. National identity
  5. McFarland, Brown & Webb
  6. PEKKURNAZ & ELİTAŞ

از بهزیستی برخوردار باشند را مشخص می‌کند (د ریورا و کارسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). این نوع هویت نشان‌دهنده همانندسازی اجتماعی با جهان و بزرگ‌ترین و فراگیرترین گروه‌های انسانی است و معمولاً با رفتارهایی مرتبط است که در خدمت جهان و تمام انسان‌هاست، مانند فعالیت‌های محیط‌زیستی (رنجر، ریز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). رفتار و طرز فکر انسان‌ها بر اساس گروه‌های اجتماعی که با آن‌ها همانندسازی می‌کنیم شکل می‌گیرد و این همانندسازی مشارکت و حمایت اجتماعی را برای فرد به ارمغان می‌آورد. زمانی که یکی از اعضا با چالشی روبرو می‌شود تمام اعضای گروه اجتماعی به کمک او می‌شتابند، در نتیجه کیفیت زندگی بالا می‌رود (ریز و کلمن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). بنابراین یکی از پیامدهای جهانی شدن در دوران مدرن افزایش مهاجرت، ارتباطات گسترده با سایر فرهنگ‌های جهان به صورت واقعی و مجازی و به طور کل شکل‌گیری هویت جهانی است، به نحوی که انسان مدرن، علاوه بر شکل دادن هویت در فرهنگ و بافت خویش، در سطح جهانی نیز هویتی تشکیل می‌دهند که می‌تواند موجبات هیجان‌ات مثبت (بهزیستی) را فراهم کند (میلر، ویگینز و فیتز<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰).

متغیر دیگری که در این پژوهش بررسی می‌شود هویت ملی است. هویت ملی فراگیرترین و بالاترین سطح هویت جمعی است و به خصوص پس از شکل‌گیری دولت مدرن و واحد‌های سیاسی مستقل به نام کشور اهمیت دوچندانی یافته و در حقیقت پاسخ به سؤالات ملت پیرامون خود، گذشته، حال و آینده، احساس تعلق به نمادها و ارزش‌های مشترک و جایگاه اقتصادی-فرهنگی-سیاسی است (ون باول<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). برای بسیاری از افراد، هویت ملی عنصر اصلی خودتعیین‌گری است و احساس تعلق افراد به یک ملت واحد باعث اتحاد و پیوستگی می‌شود و شامل ابعاد مختلفی، مانند قلمرو تاریخی، خاطرات مشترک، اسطوره‌های باستانی، اقتصاد و قوانین مشترک است (اسمیت<sup>۶</sup>، ۱۹۹۱؛ و کروز، هاسلم، دینگل، هاسلم و جتن<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴). شکل دادن هویت ملی باعث می‌شود افراد عضو گروه‌های اجتماعی خاص شوند و این امر آن‌ها را برای مقابله مؤثر با اضطراب‌های

1. De Rivera & Carson
2. Renger & Reese
3. Kohlmann
4. Miller, Wiggins & Feathe
5. Van Bavel
6. Smith
7. Cruwys, Haslam, Dingle, Haslam & Jetten

روانی-اجتماعی مجهز می‌کند. نکته مهم این است که در مواقع حساس، حمایت اجتماعی گروه‌های مشترک را به همراه خواهند داشت (جاسپال، دسیلوا و بریکول<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). زیربنای این مسئله از آنجا مطرح می‌شود که هویت ملی به عنوان سیستم کلان بر سیستم‌های خردی مانند ارتباط با اجتماعات کوچک اطراف تأثیر می‌گذارد و فرد بر اساس هویت ملی، خود را متعلق به گروه‌های مختلف می‌داند و در زمینه‌های گوناگون منفعت دارد (یائو، یانگ، هان و لی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸). از طرفی با شکل دادن به هویت ملی، خود را از ملیت‌های دیگر متمایز می‌داند و با برشمردن ویژگی‌های مثبت ملت خویش، عزت نفس خود را تقویت می‌کند؛ این همذات‌پنداری با ملت خود افراد را از زندگی محدود و بی‌معنا فراتر برده و احساس فداکاری و تلاش برای کشور خود را به ارمغان می‌آورد (گروداونسکا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶)؛ در نتیجه این گونه معناداری در زندگی‌سازی و بهزیستی ذهنی پدید می‌آورد؛ بالعکس، زمانی که افراد دچار عدم قطعیت در مورد هویت ملی خود می‌شوند، در زمینه احساس عزت نفس، خودکارآمدی، پیوستگی و تداوم دچار مشکل می‌شوند و این امر کاهش رضایت از زندگی را به همراه دارد (واگونر، بلاودی و یونگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷).

علاوه بر هویت جهانی و ملی، یکی دیگر از متغیرهای پژوهش حاضر سرمایه روان‌شناختی<sup>۵</sup> است که ارتباط آن با رضایت از زندگی بررسی شده است. سرمایه روان‌شناختی شامل ویژگی‌هایی از جمله باور به توانایی‌ها برای دستیابی به موفقیت، استمرار داشتن در دنبال کردن هدف، اسناد مثبت درباره خود داشتن و همچنین تحمل سختی‌ها و مشکلات است (لوتانز، آوی، اولیو و نرمن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶). سرمایه روان‌شناختی منبع یا عامل نهفته در برخی متغیرهای روان‌شناختی دیگر، از قبیل امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی است که در هر یک از این متغیرها نیز نمایان است (لوسپا، ویرگا، ماریکیوتو و روسو<sup>۷</sup>، ۲۰۲۰). امیدواری یک حالت انگیزشی مثبت است که راهی به سوی هدف مشخص باز می‌کند و استفاده از راه‌هایی مختلف برای رسیدن به سمت اهداف را

- 
1. Jaspal, da Silva Lopes & Breakwell
  2. Yao, Yang, Han & Li
  3. Grozdanovska
  4. Wagoner, Belavadi & Jung
  5. Psychological capital
  6. Luthans, Avey, Avolio, Norman al
  7. Lupşa, Virga, Maricuţoiu & Rusu

ممکن می‌سازد؛ خوش‌بینی سبک اسنادی مثبتی است که فرد در مورد توانایی خود در رسیدن به موفقیت در حال حاضر و آینده اتخاذ می‌کند. خودکارآمدی یعنی اطمینان داشتن از توانایی خود برای موفقیت در مورد تکلیف‌های چالش‌زا است، و تاب‌آوری یعنی مقاومت در برابر مشکلات و مصائب برای رسیدن به موفقیت (کاوس و گوکن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). ترکیب این عوامل با یکدیگر سطح کیفی زندگی را بالا می‌برد و رضایت را به همراه دارد، زیرا سرمایه روان‌شناختی منبع نیرومندی انسان است که به او کمک می‌کند بر چالش‌های زندگی فائق آید و در نتیجه موجبات رشد و پیشرفت در زندگی فراهم گردد (اکان<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲).

سرمایه روان‌شناختی بر افزایش کیفیت زندگی در جنبه‌های مختلف تأثیر می‌گذارد؛ مثلاً در محیط کار افرادی که سرمایه روان‌شناختی بالایی دارند در مقابله با چالش‌ها و فعالیت‌های کاری به طور دقیق و سازگارانه‌ای عمل می‌کنند و از رضایت شغلی خوبی برخوردارند (تیموری و زارع بهرام‌آبادی، ۱۴۰۰). سرمایه روان‌شناختی هیجانانگیز سازنده را افزایش می‌دهد، باعث کاهش هیجانانگیز و بازدارنده می‌شود و در نتیجه بهزیستی ذهنی را افزایش می‌دهد. در واقع نقش سرمایه روان‌شناختی و اجزای آن در افزایش بهزیستی ذهنی (رضایت از زندگی)، ایجاد ارزیابی مثبت از رویدادهای گذشته، حال و قریب‌الوقوع است (یوسف‌مورگان<sup>۳</sup> و لوتانز، ۲۰۱۵) و می‌توان گفت خوش‌بینی (مثبت خواندن گذشته)، خودکارآمدی (انعطاف‌پذیری روان‌شناختی) و امیدواری (انگیزه و تلاش برای آینده) در تعامل با یکدیگر این امر را ممکن می‌سازند (پورحسین، احسانی، انسانی مهر و نبی‌زاده، ۱۳۹۷). بهات (۲۰۱۷) ارتباط بین سرمایه روان‌شناختی و سطح کیفیت زندگی را ارزیابی کرده است. نتایج تحقیق او نشان می‌دهد کیفیت زندگی از دو راه امید و خوش‌بینی بالا می‌رود. در مجموع خوش‌بینی پیش‌بینی‌کننده بالاتر کیفیت (رضایت) زندگی است و در مقابل، بدبینی با افسردگی و کج خلقی در ارتباط است. همچنین پژوهش دیگری نشان داد هر چه قدر افراد خودکارآمدی یا امیدواری، مقاومت در برابر دشواری، و در کل جهتگیری مثبت‌تری در زندگی داشته باشند، رضایت آن‌ها از

- 
1. Çavuş & Gökçen
  2. Okun
  3. Youssef-Morgan



زندگی بالاتر خواهد بود (پاتک و جوشی، ۲۰۲۱). با توجه به پیشینه ارتباط سرمایه روان‌شناختی و رضایت از زندگی، می‌توان گفت به ویژه در داخل کشور کمتر پژوهشی به طور مستقیم به تبیین رضایت از زندگی بر مبنای سرمایه روان‌شناختی پرداخته است و اکثر پژوهش‌های موجود متغیرهای مشابه رضایت از زندگی را بررسی کرده‌اند.

از طرف دیگر بررسی نقش تعدیل‌گری جنسیت در این پژوهش از اهمیت بالایی برخوردار است؛ توجه به اینکه نقش تعدیل‌گری جنسیت در رابطه بین هویت جهانی، هویت ملی و سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی به چه صورت است و روشن ساختن اینکه دختران و پسران از چه الگوهای استفاده و چه کمیتی از متغیرها را تجربه می‌کنند، می‌تواند اهمیت بسیاری داشته باشد. نقش تعدیل‌گر جنسیت می‌تواند از پیچیدگی روابط بین این متغیرها بکاهد.

با توجه به اهمیت رضایت از زندگی و تأثیراتی که در بخش‌های مختلف زندگی انسان دارد، بررسی و شناسایی عوامل مرتبط با آن و مشخص نمودن نحوه این ارتباط بسیار ضروری است. بررسی ادبیات پژوهش حاکی از آن است که در زمینه ارتباط هویت ملی و جهانی با رضایت از زندگی، چه در خارج و چه در داخل کشور، خلأ پژوهشی وجود دارد و پژوهشی در داخل کشور و براساس فرهنگ ایرانی یافت نشد که ارتباط سرمایه روان‌شناختی دانشجویان با رضایت از زندگی بررسی نماید و همچنین در هیچ پژوهشی به طور منسجم به بررسی ارتباط متغیرهای حاضر با رضایت از زندگی پرداخته نشده است؛ از این رو نگرستن به رضایت از زندگی از زاویه این متغیرها می‌تواند راهی در جهت پایه‌ریزی مداخلات مرتبط با افزایش رضایت از زندگی افراد باشد. بنابراین هدف از این پژوهش تبیین ارتباط هویت جهانی، هویت ملی و سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی است و همچنین درصدد دست یافتن به این نکته است که آیا جنسیت نقشی تعدیل‌گر در این ارتباط ایفا می‌کند یا خیر.

## روش

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان کارشناسی دختر و پسر شاغل به تحصیل در دانشگاه تهران، نیمسال دوم سال

تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ تشکیل دادند که به روش نمونه‌گیری در دسترس از دانشکده‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی، اقتصاد، فنی مهندسی و حقوق انتخاب شدند. تعداد ۲۳۰ پرسشنامه (با در نظر گرفتن احتمال اُفت آزمودنی‌ها، پرسشنامه‌های مخدوش و داده‌های پرت) بین افراد نمونه توزیع شد که از میان آن‌ها با در نظر گرفتن ملاک ورود (رضایت حضور در پژوهش، دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه تهران در رده سنی ۱۸-۲۲ سال) و خروج (پاسخدهی ناقص به سؤالات، اختلال روان‌شناختی یا بیماری خاص و مصرف دارو بود) بر اساس خوداظهاری دانشجویان، ۲۰۹ نفر (۱۱۰ پسر ۹۹ دختر) به طور کامل به سؤالات پاسخ دادند. پس از انجام پژوهش، به منظور رعایت اصول اخلاقی بر اساس نظر سیف (۱۳۹۶) به شرکت کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات حاصل شده نزد پژوهشگر محرمانه باقی می‌ماند. پرسشنامه‌های مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه هویت جهانی، هویت ملی، سرمایه روان‌شناختی و رضایت از زندگی بود.

### ابزارها

مقیاس رضایت از زندگی<sup>۱</sup>: پرسشنامه رضایت از زندگی توسط دینر، سان، لوکاس و اسمیت<sup>۲</sup> (۱۹۸۹) با هدف سنجش میزان رضایت کلی از زندگی تهیه شده است. این پرسشنامه شامل ۵ سؤال است (مثلاً از زندگی‌ام راضی هستم، زندگی من در اکثر موارد به آرمان‌هایم نزدیک بوده است). مقیاس رضایت از زندگی دینر، سان، لوکاس و اسمیت متشکل از ۴۸ سؤال است که میزان رضایت از زندگی و بهزیستی را نشان می‌دهد و تحلیل عاملی آن نشان داد که از سه عامل تشکیل شده است؛ ده سؤال آن با رضایت از زندگی مرتبط بود که پس از بررسی‌های متعدد، در نهایت به ۵ سؤال کاهش یافت و به عنوان یک مقیاس مجزا مورد استفاده قرار گرفت. این مقیاس اکنون دارای ۵ ماده است که هر ماده در یک طیف لیکرت از ۱ تا ۷ نمره‌گذاری می‌شود (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم). نمره کلی این مقیاس با جمع پاسخ‌ها محاسبه شده و دامنه آن بین ۵ تا ۳۵ است که امتیاز بالاتر به معنای شاخص سطوح رضایتمندی بیشتر از زندگی است. مقیاس دارای روایی (به شیوه همگرا و افتراقی) و پایایی (آلفا کرونباخ /۰.۸۹) است. در ایران این مقیاس توسط بیانی،

- 
1. Satisfaction with Life Scale (SWLS)
  2. Diener, Sun, Lucas & Smith

کوچکی و گودرزی (۱۳۸۶) مورد انطباق قرار گرفته است. آلفای کرونباخ ۰/۸۷. و روایی همگرای آن مطلوب گزارش شده است. همچنین در مطالعه متولیان، دوکوشکانی و یحیی‌زاده جلودار (۱۳۹۸) آلفای کرونباخ ۰/۸۷. به دست آمده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۸۱. و روایی توسط اساتید و متخصصان این رشته تأیید شد.

پرسشنامه هویت جهانی<sup>۱</sup>: این پرسشنامه توسط غفاری‌نسب، کاروانی و نامداری (۱۳۹۶) به منظور سنجش هویت جهانی طراحی و تدوین شده است. پرسشنامه هویت جهانی ۱۱ سؤال دارد و بر اساس طیف لیکرت با سؤالاتی مانند (پذیرش فرهنگ کشورهای دیگر برای من آسان است). به سنجش هویت جهانی می‌پردازد. دامنه امتیاز این پرسشنامه بین ۱۱ تا ۵۵ خواهد بود. هر چه امتیاز حاصل شده از این پرسشنامه بیشتر باشد، نشان‌دهنده میزان بیشتر هویت جهانی است و بالعکس. این پرسشنامه در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است. بر اساس پژوهش غفاری‌نسب، کاروانی و نامداری (۱۳۹۶) این پرسشنامه از روایی صوری و ملاکی مناسبی برخوردار است. همچنین آن‌ها ضریب آلفای کرونباخ هویت جهانی را ۰/۶۹۳ به دست آوردند. آلفای کرونباخ هویت جهانی در این مطالعه ۰/۸۱. و روایی محتوایی توسط اساتید و متخصصان این رشته تأیید شد.

پرسشنامه هویت ملی<sup>۲</sup>: مقیاس هویت ملی توسط رحیمی‌نژاد و احمدی (۱۳۷۴) با هدف بررسی هویت ملی نوجوانان و جوانان و برداشت مثبت فرد از جنبه‌های مختلف ایران طراحی و تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۲۸ گویه (مانند (تمدن ایرانی از برجسته‌ترین تمدن‌های جهان است، هیچ ملتی به اندازه ملت ایران صبور نیست) که ۱۴ سؤال این پرسشنامه به مقیاس هویت ملی و ۱۴ سؤال دیگر آن به نفی هویت ملی مربوط می‌شود. در این مقیاس، هر یک از مؤلفه‌ها دارای ۴ ماده بر پایه مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای ۱ = کاملاً مخالفم تا ۵ = کاملاً موافقم ساخته شده است. نمره بالاتر در مؤلفه پذیرش هویت ملی نشان‌دهنده گرایش بیشتر به پذیرش هویت ملی از سوی فرد است و چنین تفسیری برای نفی هویت ملی نیز برقرار است. ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های هویت ملی در گروه دانشجویان ۰/۹۵ برای پذیرش هویت ملی و ۰/۸۳ برای نفی هویت ملی

---

1. Global identities Questionnaire  
2. National Identities Questionnaire (PCQ)

به دست آمده است. روایی سازه این مقیاس با روش تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفته است. در پژوهش مزیدی و همکاران (۱۳۹۴) میزان پایایی به روش آلفا کرونباخ ۰/۸۵. به دست آمد. در این پژوهش آلفای کرونباخ ۰/۸۶. و روایی توسط اساتید و متخصصان این رشته تأیید شد.

پرسشنامه سرمایه روانشناختی<sup>۱</sup>: پرسشنامه سرمایه روانشناختی توسط لوتانز، آوی، آولیو، نورمن و کامبز (۲۰۰۷) با هدف سنجش سرمایه روانشناختی افراد تهیه شده است. این پرسشنامه ۲۴ سؤال دارد (مانند با اعتماد یک مسئله طولانی را بررسی می‌کنم تا به راه حل برسم، من معمولاً مشکلات مختلف را می‌توانم مدیریت کنم) و ۴ خرده‌مقیاس خودکارآمدی، تاب‌آوری، خوش‌بینی و امید است. همچنین آزمودنی به هر سؤال در مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) پاسخ می‌دهد. سؤالات ۱ تا ۶ مربوط به خرده‌مقیاس خودکارآمدی، سؤالات ۷ تا ۱۲ مربوط به خرده‌مقیاس امید، ۱۳ تا ۱۸ خرده‌مقیاس تاب‌آوری و ۱۹ تا ۲۴ مربوط به خرده‌مقیاس خوش‌بینی است. برای به دست آوردن نمره این پرسشنامه ابتدا نمره هر خرده‌مقیاس به صورت جداگانه به دست می‌آید و سپس جمع آن‌ها به عنوان نمره کلی سرمایه روانشناختی محسوب می‌شود. بالاترین نمره‌ای که فرد در این پرسشنامه می‌تواند اخذ کند ۱۴۴ و پایین‌ترین نمره ۲۴ است. نمره بالاتر نشان‌دهنده سرمایه روانشناختی قوی‌تر فرد، و نمره پایین‌تر نزدیک به ۲۴ نشان‌دهنده سرمایه روانشناختی ضعیف است. خسروشاهی، هاشمی و باباپور (۱۳۹۳) میزان پایایی این پرسشنامه را بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آوردند. همچنین در پژوهشی که توسط حیای، مرادی، مؤمنی و ارشدی (۱۴۰۱) صورت گرفت، روایی از طریق تحلیل عاملی تأیید، و ضرایب پایایی به دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۸۵ محاسبه شد. میزان پایایی پرسشنامه سرمایه روانشناختی در این پژوهش بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۹ و میزان روایی توسط متخصصان این رشته مورد تأیید قرار گرفت.

در این مطالعه به منظور ارزیابی آمار توصیفی و تحلیل استنباطی (روش‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) از نرم‌افزار آماری R استفاده شد. متغیرهای هویت ملی، هویت

1. Psychological Capital Questionnaire

جهانی و سرمایه‌ روان‌شناختی به عنوان متغیر پیش‌بین، متغیر رضایت از زندگی به عنوان متغیر ملاک و همچنین متغیر جنسیت به عنوان نقش تعدیل کننده در نظر گرفته شدند.

### یافته‌ها

بررسی توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان ویژگی جمعیت‌شناختی شرکت کنندگان به شرح زیر است: از میان ۲۰۹ نفر دانشجوی ۱۱۰ نفر (۵۲/۶۳ درصد) از شرکت کنندگان پسر و ۹۹ نفر (۴۷/۳۷ درصد) دختر بودند. از بین شرکت کنندگان، ۶۹/۲۰ درصد از دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۷/۷۰ درصد از دانشکده فنی و مهندسی، ۱۴/۳۵ درصد از دانشکده اقتصاد، و ۵/۷۴ درصد از دانشکده حقوق بودند. در ابتدا شاخص‌های آمار توصیفی مربوط به میانگین و انحراف معیار به همراه ضرایب همبستگی برای متغیرهای پژوهش، هویت جهانی و هویت ملی، سرمایه روان‌شناختی، رضایت از زندگی در جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱ یافته‌های توصیفی و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین انحراف معیار		۱	۲	۳	۴
۱. هویت جهانی	۴۰/۲۱	۵/۰۱	۱	**۰/۷۰	*۰/۱۴	*۰/۳۹
۲. هویت ملی	۱۱۱/۲۹	۲۴/۱۷		۱	*۰/۱۹	*۰/۴۱
۳. سرمایه روان‌شناختی	۹۹/۴۶	۱۷/۱۰			۱	*۰/۳۶
۴. رضایت از زندگی	۴۳/۲۱	۶/۴۷				۱

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در جدول ۱ مقادیر میانگین و انحراف استاندارد نشان داده شده است. مقادیر چولگی و کشیدگی داده‌های استاندارد عددی بین ۲- و ۲+ است. کجی و کشیدگی توزیع نمرات متغیرهای این مطالعه با استفاده از نرم‌افزار محاسبه و نتایج نشان داد که همه مقادیر کجی و کشیدگی متغیرها در بین همین دامنه استاندارد است.

قبل از آزمون مدل، ابتدا مفروض‌های نرمال بودن، هم‌خطی بودن متغیرها و استقلال

خطاها مورد بررسی قرار گرفت. برای پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها از آزمون کالموگروف اسمیرنف استفاده شد. آزمون کالموگروف در همه متغیرها از لحاظ آماری معنادار نبود و فرض نرمال بودن داده‌ها مورد تأیید قرار گرفت ( $p < 0/05$ ). همچنین شاخص تحمل ۰/۱ یا کمتر نشان‌دهنده هم‌خطی بودن است. عامل تورم واریانس<sup>۱</sup> یکی دیگر از روش‌های تشخیص هم‌خطی بودن است که نشان‌دهنده نسبت واریانس استاندارد شده کلی به واریانس یگانه است. اگر ارزش عامل تورم واریانس بالاتر از ۱۰ باشد نشان‌دهنده هم‌خطی بودن است. در تحقیق حاضر مقادیر به دست آمده از محاسبه عامل تورم واریانس کمتر از ۱۰ و ضریب تحمل بیشتر از ۰/۱ بود که نشان داد پدیده هم‌خطی بودن در متغیرهای پژوهش رخ نداده است؛ بر این اساس، می‌توان نسبت به مفروضه عدم هم‌خطی نیز اطمینان حاصل کرد. همچنین مقدار دوربین واتسون  $1/58$ ، و کمتر از ۴ است و می‌توان گفت از مفروضه‌ها تخطی کرده است. بنابراین با توجه به شاخص‌های به دست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که شرایط آزمون رعایت شده است.

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف معیار به ترتیب در مقیاس رضایت از زندگی برابر با  $43/21$  و  $6/47$ ؛ در سرمایه روان‌شناختی برابر با  $99/76$  و  $17/1$ ؛ در هویت ملی برابر  $111/29$  و  $24/17$  و برای هویت جهانی برابر با  $40/21$  و  $5/01$  است.

پس از تحلیل آماری میزان همبستگی به دست آمده برای رابطه بین رضایت از زندگی و سرمایه روان‌شناختی  $0/36$ ، برای رابطه بین رضایت از زندگی و هویت ملی این ضریب برابر با  $0/41$  بود و برای هویت جهانی این مقدار برابر با  $0/39$  به دست آمد که هر سه این ضرایب در سطح  $\alpha = 0/01$  معنی‌دار است و می‌توان گفت که رضایت از زندگی در افراد با سرمایه روان‌شناختی و همچنین هویت ملی و هویت جهانی آن‌ها همبستگی دارد. این همبستگی برای هر سه متغیر پیش‌بین تقریباً به یک اندازه بود، ولی مقادیر جزئی هویت ملی افراد رابطه بیشتری با رضایت از زندگی دارد.

پس از تأیید معناداری روابط یادشده در جدول ۲، تحلیل رگرسیون چندگانه متغیرهای پژوهش نشان داده شده است.

---

1. Variance Inflation Factor (VIF)

جدول ۲ تحلیل رگرسیون چندگانه متغیرهای پژوهش

متغیرها	ضریب بتا	خطا استاندارد	مقدار T	مقدار p	ضریب بتا
ویژگی مدل	۰/۹۸	۳/۶۲	۰/۲۷	۰/۷۲	۹/۹۵
سرمایه روان‌شناختی	۰/۰۸	۰/۰۳	۲/۲۷	۰/۰۲**	۰/۰۷
هویت ملی	۰/۱۰	۰/۰۲	۳/۴۵	۰/۰۰۰۷**	۰/۱۳
هویت جهانی	۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۸۸	۰/۳۸	۰/۱۱

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول فوق، سرمایه روان‌شناختی و هویت ملی به تنهایی می‌توانند با دقت مناسبی رضایت از زندگی را پیش‌بینی کنند و می‌توان از به کارگیری هویت جهانی که در حضور دو پارامتر دیگر نقش خاصی ایفا نمی‌کند صرف نظر کرد. در ادامه به نقش تعدیل‌گر جنسیت در رابطه‌های تأییدشده، یعنی سرمایه روان‌شناختی و رضایت از زندگی و همچنین هویت ملی و هویت جهانی بر رضایت از زندگی، می‌پردازیم. در جدول ۳ نتایج حاصل از نقش تعدیل‌گر جنسیت در رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و رضایت از زندگی بررسی شده است.

جدول ۳ نقش تعدیل‌گر جنسیت در رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و رضایت از زندگی

مراحل مدل	متغیرها	مجدور R	تغییرات مجذور R	تغییرات F	مقدار P	ضریب بتا
۱	ویژگی مدل	۰/۱۱		۷/۷۵	۰/۰۰۴**	
	سرمایه روان‌شناختی		۹/۹۵			۰/۰۰۳**
	جنسیت					۰/۱۳
						۰/۰۳*
						-۲/۶۶
۲	ویژگی مدل	۰/۱۲		۰/۰۱	۵/۱۸	۰/۰۰۷**
	سرمایه روان‌شناختی					۰/۰۰۲**
	جنسیت					۰/۴۹
	اثر همزمان					۰/۷

طبق نتایج به دست آمده، با توجه به مقدار  $P(0/7)$ ، متغیر جنسیت در رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و رضایت از زندگی نقش تعدیل‌گر ندارد و در نظر گرفتن جنسیت به عنوان تعدیل‌گر تنها ۰/۰۱ میزان مجذور R را بهبود می‌بخشد. پس نمی‌توان نقش این مؤلفه را معنی‌دار تلقی کرد. در جدول ۴ نتایج حاصل از نقش تعدیل‌گر جنسیت در رابطه بین

هویت ملی و رضایت از زندگی بررسی شده است.

جدول ۴ نقش تعدیل‌گر جنسیت در رابطه بین هویت ملی و رضایت از زندگی

مراحل مدل	متغیرها	مجذور R	تغییرات مجذور R	تغییرات F	مقدار P	ضریب بتا
	ویژگی مدل	۰/۱۹			۱۶/۲۸	۰/۰۰۳**
۱	هویت ملی	۰/۱۲			۰/۵۲	۰/۰۰۰**
	ویژگی مدل	۰/۲۱	۰/۰۲		۵/۱۸	۰/۰۱**
		۱۰/۲۷				
۲	هویت ملی	۰/۱۱				۰/۰۰۰**
	جنسیت					۰/۹۰
	اثر همزمان					۰/۷۹

طبق نتایج به دست آمده با توجه به مقدار P (۰/۷۹)، متغیر جنسیت در رابطه بین هویت ملی و رضایت از زندگی نقش تعدیل‌گر ندارد و در نظر گرفتن جنسیت به عنوان تعدیل‌گر تنها ۰/۰۲ میزان مجذور R را بهبود می‌بخشد. پس نمی‌توان نقش این رابطه را معنی‌دار تلقی کرد. در جدول ۵ نتایج حاصل از نقش تعدیل‌گر جنسیت در رابطه بین هویت جهانی و رضایت از زندگی بررسی شده است.

جدول ۵ نقش تعدیل‌گر جنسیت در رابطه بین هویت جهانی و رضایت از زندگی

مراحل مدل	متغیرها	مجذور R	تغییرات مجذور R	تغییرات F	مقدار P	ضریب بتا
	ویژگی مدل	۰/۱۶			۱۱/۶۱	۰/۰۰۰**
۱	هویت جهانی	۰/۴۵			۱۳/۱۳	۰/۰۰۰**
	جنسیت				۰/۴۳	
	ویژگی مدل	۰/۱۶	۰/۰۰		۷/۸۴	۰/۰۰**
۲	هویت جهانی	۰/۱۱				۰/۰۰۰**
	جنسیت					۰/۴۰
	اثر همزمان					۰/۵۱



طبق نتایج به دست آمده با توجه به مقدار  $P(0/51)$ ، متغیر جنسیت در رابطه بین هویت ملی و رضایت از زندگی نقش تعدیل گر ندارد و در نظر گرفتن جنسیت به عنوان تعدیل گر تغییری در میزان مجذور  $R$  را بهبود می بخشد. پس نمی توان نقش این رابطه را معنی دار تلقی کرد. با توجه به نتایج به دست آمده، جنسیت هیچ نقش تعدیل کننده‌ای در روابط یاد شده بازی نمی کند، و مؤلفه‌های سرمایه روان شناختی، هویت ملی و هویت جهانی، فارغ از جنسیت افراد، بر رضایت از زندگی آن‌ها تأثیر می گذارد.

### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش هویت جهانی، هویت ملی و نفی هویت ملی و سرمایه روان شناختی در پیش بینی رضایت از زندگی و همچنین نقش تعدیل گر جنسیت، انجام گرفت و با توجه به آنچه در بیان مسئله مورد بررسی قرار گرفت، این پژوهش علاوه بر بررسی ارتباط بین متغیرها، به بررسی نقش تعدیل گری جنسیت نیز پرداخت. نتایج مربوط به فرضیه اول که ارتباط بین هویت جهانی با رضایت از زندگی بود نشان داد نمره کل هویت جهانی با رضایت از زندگی ارتباط معنی داری ندارد. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج مطالعات میلر، ویگینز و فیترز، (۲۰۲۰)؛ و دیورا و کارلسون (۲۰۱۵) ناهمسو است. یکی از علل احتمالی عدم معنی داری فرضیه اول این است که هویت جهانی در جوامع مختلف به شیوه‌های متفاوتی شکل می گیرد و همچنین تحت تأثیر هویت فردی و هویت های جمعی دیگر قرار دارد و این امر بر رضایت از زندگی و به طور کلی بر شکل گیری نگرش مثبت افراد به زندگی تأثیرات متفاوتی می گذارد (دیمیتروا و همکاران، ۲۰۱۳). پژوهش پکورناس و الیتاش (۲۰۲۰) درباره ارزیابی افراد درباره هویت جهانی و ارتباط آن با رضایت افراد در حوزه‌ها و ابعاد مختلف زندگی نشان داد صرفاً افرادی که درباره جنبه‌های مثبت جهان هویت یکپارچه‌ای کسب می کنند، میزان بالای رضایت از زندگی را گزارش می کنند و در نتیجه درک افراد نسبت به جامعه جهانی نقش پررنگی در شکل گیری هویت مثبت یا منفی جهانی دارد و بر چگونگی رضایت از زندگی افراد اثر گذار است.

در مورد فرضیه دوم پژوهش، مبنی بر همبستگی هویت ملی و رضایت از زندگی، نتایج مطالعه ما نشان داد که رابطه هویت ملی و رضایت از زندگی مثبت و معنادار است.

این نتیجه با مطالعات گروداونسکا (۲۰۱۶)، واگونر، بلاودی و یونگ (۲۰۱۷)، و جاسپال، داسیلوا لویز و بریکول (۲۰۲۱) همسو است. کروز و همکاران (۲۰۱۴) بیان می‌کند شناسایی گروه اجتماعی کارکردهای مثبتی برای بهزیستی روان‌شناختی دارد و افراد را برای مقابله موثرتر با اضطراب‌های اجتماعی و روانی مجهز می‌کند و حمایت اجتماعی نیز به همراه دارد، بنابراین می‌تواند به رضایت از زندگی بینجامد.

از آنجا که بین هویت ملی و برخی ساختارهای روان‌شناسی مثبت ارتباط وجود دارد، در مطالعه‌ای ارتباط هویت ملی با رضایت و معناداری در زندگی دانشجویان ۱۸ تا ۲۳ سال بررسی شد و نتایج حاکی از آن است که هر چقدر دانشجویان هویت ملی بالاتر و مستحکم‌تری داشته باشند، از زندگی خود رضایت بیشتری دارند و زندگی آن‌ها معنادارتر خواهد بود، و در مقابل، دانش‌آموزان با هویت ملی پایین‌تر رضایت کمتری برخوردار خواهند بود (گروداونسکا، ۲۰۱۶)؛ علاوه بر این، در دوران پیری نیز هر چقدر هویت ملی قوی‌تر و بالاتر باشد، رضایت از زندگی بالاتر خواهد بود. افراد در دوران پیری ممکن است در معرض تبعیض‌های گوناگونی قرار بگیرند و تأثیری منفی بر کیفیت زندگی‌شان بگذارد. احساس هویت ملی، به عنوان یک سیستم کلان، عاملی حفاظتی است و از افراد در برابر احساس تبعیض ادراک‌شده محافظت می‌کند و متعاقباً رضایت از زندگی را افزایش می‌دهد (یانگ، یائو، یانگ، هان و لی، ۲۰۱۸).

در مطالعه‌ای درباره هویت ملی، شرکت‌کنندگان سیاهپوست هویت قومی قوی‌تر و تبعیض قومی مکرر را گزارش کردند. پاکستانی‌ها دینداری بالاتر و تبعیض مذهبی مکرر، اما هویت ملی در بریتانیایی‌ها قوی‌تر گزارش شد. عدم اطمینان در مورد معنی و دسترسی به هویت ملی بریتانیا و تبعیض قومی درک‌شده با کاهش هویت ملی بریتانیا همراه بود. هویت ملی بریتانیا به نوبه خود ارتباط مثبتی با رضایت از زندگی داشت. عدم اطمینان در مورد معنی و اهمیت بریتانیایی بودن ارزش آن را برای حفظ هویت کلی به چالش می‌کشد و باعث می‌شود اقلیت‌های قومی کمتر به آن دسترسی داشته باشند (جاسپال، داسیلوا لویز و بریکول، ۲۰۲۱).

فرضیه بعدی این پژوهش ارتباط سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی است. یافته‌های پژوهش نشان داد ارتباط سرمایه روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن (امید، خودکارآمدی، تاب‌آوری، خوش‌بینی) با رضایت از زندگی مثبت و معنادار، و با پژوهش

پاتک و جوشی (۲۰۲۱)، بهات (۲۰۱۷)، و یوسف‌مورگان و لوتانز (۲۰۱۵) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت سرمایه روان‌شناختی از آنجا یک سازه مرتبه بالا در روان‌شناسی مثبت است، به عنوان وضعیت رشد روان‌شناختی مثبت یک فرد تعریف و با مواردی مانند ۱. داشتن اعتماد به نفس (خودکارآمدی) برای انجام تلاش لازم جهت موفقیت در وظایف چالش‌برانگیز، ۲. اسناد مثبت (خوش‌بینی) درباره موفقیت در حال و آینده، ۳. استقامت در رسیدن به اهداف و در صورت لزوم تغییر مسیر به سوی اهداف (امید) موفقیت‌آمیزتر، و ۴. پایداری و استقامت هنگام بروز مشکلات و ناملایمات (تاب‌آوری) مشخص می‌شود (لوتانز و همکاران، ۲۰۱۵). افراد هر چقدر از سرمایه روان‌شناختی بیشتری برخوردار باشند، بر چالش‌ها و سختی‌های زندگی، با بهره‌گیری از مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی به خوبی فائق می‌آیند و سرمایه روان‌شناختی در محیط‌های مختلف اعم از کاری، تحصیلی و زندگی شخصی با کمک به افراد بر رضایت و کیفیت زندگی آنان می‌افزاید (اکان، ۲۰۲۲). همچنین باید خاطرنشان کرد که سرمایه روان‌شناختی به عنوان یک متغیر مثبت به طرق مستقیم و غیرمستقیم بر رضایت از زندگی تأثیر می‌گذارد؛ در همین راستا پژوهش پورحسین، احسانی، مهر و نبی‌زاده (۱۳۹۷) نشان داد نیازهای اساسی روان‌شناختی با تأثیر بر سرمایه روان‌شناختی با رضایت از زندگی در ارتباط است.

در نهایت فرضیه آخر بررسی نقش تعدیل‌گر جنسیت بود و یافته‌های این مطالعه نشان داد در رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و رضایت از زندگی، جنسیت نقش تعدیل‌گر نداشت و این یافته ناهمسو با پژوهش ولانوا-فلورس، دیاز-فرناندز، هرناندز-روکو و ون انکن<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) بود که بر نقش تعدیل‌گر جنسیت صحنه گذاشتند. همچنین جنسیت در رابطه بین هویت جهانی و رضایت از زندگی و رابطه بین هویت ملی و رضایت از زندگی نیز چنین تأثیری را اعمال نکرد. پژوهش غلامرضایی، عبداللّهی مقدم و سهرایان (۱۳۹۴) همسو با این یافته‌ها بود و بیان داشت که در مقایسه دو جنس تفاوت معنی‌داری بین دختران و پسران در ابعاد مختلف هویتی (فردی، ارتباطی، اجتماعی و جمعی) در ارتباط با رضایت از زندگی وجود ندارد. به طور کلی این نتیجه که تعدیل‌گری جنسیت مؤلفه معنی‌داری

1. Villanueva-Flores, Diaz-Fernandez, Hernandez-Roque & van Engen

نیست می‌تواند ناشی از عوامل احتمالی، چون تعداد شرکت کنندگان، تفاوت‌های فرهنگی، شرایط و عوامل گوناگون، باشد و ممکن است در شرایط دیگر نتایج متفاوتی حاصل شود که نیازمند بررسی بیشتری است.

عوامل بسیار زیادی در زندگی بر روی رضایت افراد تأثیر می‌گذارند. افزایش رضایت از زندگی هدف مهمی است که رویکردهای مختلف روان‌شناسی از جنبه‌های گوناگون دستیابی به آن را مطالعه کرده‌اند. یافتن این عوامل دستیابی به رضایت از زندگی سهم بسزایی در زندگی افراد دارد. در این پژوهش متغیرهای هویت جهانی و هویت ملی بررسی شده است. یافته‌های پژوهشی اندکی در این زمینه وجود داشت. این عوامل بر دیدگاهی که افراد نسبت به زندگی دارند نقش مهمی ایفا می‌کنند و بر مؤلفه‌های روان‌شناختی گوناگون مؤثر و با آن‌ها مرتبط هستند و بهتر است در پژوهش‌های آتی روان‌شناسی از این متغیرها بیشتر استفاده شود. سرمایه روان‌شناختی نیز عامل دیگری بود که ارتباطش با رضایت از زندگی بررسی شد. سرمایه روان‌شناختی دارای مؤلفه‌های مثبتی همچون امید، خودکارآمدی، تاب‌آوری و خوش‌بینی است و تک‌تک این عوامل پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی‌اند. مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر خودارزیابی و خودگزارشی بودن متغیرهای آن است که این امر به دلیل استفاده از پرسشنامه طبیعی است و شرکت کنندگان به دلایل متعدد ممکن است در ارائه تصویری واقعی از خود سرباز زنند؛ البته کوشش بسیاری به عمل آمد که به دانشجویان اطمینان داده شود نام و اطلاعات دیگر کاملاً محرمانه است. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی ارتباط سایر ابعاد هویت در حیطه روان‌شناسی مثبت بررسی شود و بهتر است از نظر جغرافیایی مناطق دیگری نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند. همچنین از آنجا که این پژوهش از نوع همبستگی است و متغیرها دستکاری و کنترل نمی‌شوند و روابط علی بین آن‌ها بررسی نمی‌گردد بهتر است در آینده جنبه‌های گوناگون‌تری در این زمینه نیز مورد بررسی قرار بگیرد.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله از تمام دانشجویان دانشگاه تهران که وقت گرانبهای خود را در اختیار ما گذاشتند کمال تشکر را دارند.

## منابع

- بیانی، ع، کوچکی، ع، و گودرزی، ح. (۱۳۸۶)، «اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی (SWLS)». *روان‌شناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)*، ۳ (۱۱)، ۲۶۵-۲۵۹.
- بیرانوند، ش؛ خدابخشی کولایی، الف؛ فلسفی‌نژاد، م؛ و زارع بهرام‌آبادی، م. (۱۴۰۱)، «مطالعه فرایند و ماهیت هویت‌یابی شغلی در نوجوانان دختر: یک مطالعه داده‌بنیاد». *دوفصلنامه روان‌شناسی فرهنگی*. ۶ (۲): ۳۸۷-۳۵۹.
- بهادری خسروشاهی، ج؛ هاشمی نصرت‌آباد، ت؛ باباپور خیرالدین، ج. (۱۳۹۳)، «رابطه سرمایه اجتماعی با بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان دانشگاه تبریز». *دوفصلنامه علمی-پژوهشی شناخت اجتماعی*. ۳ (۶): ۵۴-۴۴.
- پورحسین، ر؛ احسانی، س؛ انسانی مهر، ن و نبی‌زاده. (۱۳۹۷)، «بررسی رابطه برآورده شدن نیازهای اساسی روان‌شناختی و رضایت از زندگی: نقش واسطه‌ای انگیزش پیشرفت و سرمایه روان‌شناختی». *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*. ۱۴ (۵۰): ۸۷-۷۱.
- تیموری، م؛ و زارع بهرام‌آبادی. (۱۴۰۰)، «مدل‌یابی دگرگون‌سازی شغلی بر مبنای سرمایه روان‌شناختی و رسالت شغلی با میانجی‌گری حمایت سازمانی». *دوفصلنامه روان‌شناسی فرهنگی*. ۵ (۲): ۱۸۷-۲۱۲.
- سیف، ا. (۱۳۹۳)، *روش تهیه مقاله پژوهشی در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: انتشارات دوران.
- حیاوی، غ؛ مرادی، آ، مؤمنی، خ، و ارشدی، ن. (۱۴۰۱)، «اثر سرمایه روان‌شناختی، اعتماد به سازمان و سبک رهبری تحولی بر رشد روان‌شناختی در کار: نقش میانجی‌گری نیازهای روان‌شناختی اساسی». *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۲۳ (۱ پیاپی ۸۷)، ۵۰-۳۸.
- رحیمی‌نژاد، ع؛ و احمدی، ع. ا. (۱۳۷۴)، *مطالعه تحلیلی و علی‌هویت‌یابی نوجوانان ایرانی و رابطه آن با ساخت اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی خانواده در دانش‌آموزان دختر و پسر نوجوان تهرانی*. تهران: معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
- غلامرضایی، س؛ عبداللهی مقدم، م و سهرابیان، ط. (۱۳۹۶)، «بررسی مقایسه‌ای رابطه بین ابعاد هویت با رضایت از زندگی در دانشجویان دانشگاه فرهنگیان». *مطالعات آموزشی و دانشگاهی*. ۴ (۱۳): ۱۳۲-۱۱۱.
- غفاری‌نسب، ا؛ کاروانی، ع و نامداری، م. (۱۳۹۳)، «مطالعه تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت جهانی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان»، *مجله جهانی رسانه*. ۱۲ (۲): ۸۸-۶۷.
- متولیان، م، دوکوشکانی، ف، و یحیی‌زاده جلودار، س. (۱۳۹۸)، «بررسی میزان رضایت از زندگی در میان دانشجویان دانشگاه مازندران و رابطه آن با ابعاد شخصیتی». *روان‌شناسی و روان‌پزشکی شناخت*، ۶ (۱)، ۳۴-۲۳.
- مهدی، م؛ باقریان، ف؛ نودهی، س و نجات، پ. (۱۳۹۴)، «سطوح آشکار و ضمنی هویت‌های دینی، ملی و مدرن در سازمان‌یافتگی شخصیت نوجوانان و جوانان». *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، سال ۹، ۳ (۳۵)، ۱۳۲-۱۱۵.

- Bhat, S.A. (2017), 'Psychological capital as related to life satisfaction among sports Coaches.' *National Journal of -Multidisciplinary Research and Development*, 2(3): 300-302.
- Carr, A., Cullen, K., Keeney, C., Canning, C., Mooney, O., Chinseallaigh, E., & O'Dowd, A. (2021), Effectiveness of positive psychology interventions: a systematic review and meta-analysis. *The Journal of Positive Psychology*, 16(6), 749-769.
- Çavuş, M. F. & Gökçen, A. (2015), Psychological capital: Definition, components and effects. *British Journal of Education, Society and Behavioural Science*, 5(3), 244-255.
- Compton, W. C. (2005), *Introduction to Positive Psychology*. Thomson Wadsworth.
- Cruwys, T., Haslam, S. A., Dingle, G. A., Haslam, C., & Jetten, J. (2014), Depression and social identity: An integrative review. *Personality and Social Psychology Review*, 18(3), 215-238.
- De Rivera, J. & Carson, H. A. (2015), Cultivating a global identity. *Journal of Social and Political Psychology*, 3(2), 310-330.
- Diener, E. E., Sun, M., Lucas, R. E., & Smith, H. L. (1998), Subjective well being: Three decades of progress. *Psychological Bulletin*, 125, 276-302.
- Dimitrova, R., Chasiotis, A., Bender, M., & Van de Vijver, F. (2013), Collective identity and wellbeing of Roma minority adolescents in Bulgaria. *International Journal of Psychology*, 48(4), 502-513.
- Fergusson, D. M., McLeod, G. F. H., Horwood, L. J., Swain, N. R., Chapple, S., & Poulton, R. (2015), Life satisfaction and mental health problems (18 to 35 years). *Psychological medicine*, 45(11), 2427-2436.
- Gilligan, T. D. Huebner, E. S. (2002), Multi-dimensional Life Satisfaction reports of adolescents: a multi trait multi method study. *Personality and Individual Differences*, 32, 1149-1155.
- Grozdanovska, E. (2016), The relationship between national identity, subjective well-being and meaning in life. *Suvremena psihologija*, 19(1), 91-99.
- Hallajow, N. (2018), Identity and attitude: Eternal conflict or harmonious coexistence. *Journal of Social Sciences*, 14(1), 43-54.
- Jaspal, R., da Silva Lopes, B. C. & Breakwell, G. M. (2021). British national identity and life satisfaction in ethnic minorities in the United Kingdom. *National Identities*, 23(5), 455-472.
- Joshanloo, M., & Jovanović, V. (2020), The relationship between gender and life satisfaction: Analysis across demographic groups and global regions. *Archives of women's mental health*, 23, 331-338.
- Luhmann, M., Lucas, R. E., Eid, M. & Diener, E. (2013), The prospective effect of life satisfaction on life events. *Social Psychological and Personality Science*, 4(1), 39-45.
- Lupşa, D., Virga, D., Maricuţoiu, L. P., & Rusu, A. (2020), Increasing psychological capital: A pre-registered meta-analysis of controlled interventions. *Applied Psychology*, 69(4), 1506-1556.
- Lupşa, D., Virga, D., Maricuţoiu, L. P. & Rusu, A. (2020), Increasing psychological capital: A pre-registered meta-analysis of controlled interventions. *Applied Psychology*, 69(4), 1506-1556.
- Luthans, F., Avey, J. B., Avolio, B. J., Norman, S. M., & Combs, G. M. (2006), Psychological capital development: toward a micro-intervention. *Journal of Organizational Behavior: The International Journal of Industrial, Occupational and Organizational Psychology and Behavior*, 27(3), 387-393.
- McFarland, S., Brown, D., & Webb, M. (2013), Identification with all humanity as a moral concept and psychological construct. *Current Directions in Psychological Science*, 22(3), 194-198.

- Miller, S. T., Wiggins, G. M., & Feather, K. A. (2020), Growing up globally: Third culture kids' experience with transition, identity, and well-being. *International Journal for the Advancement of Counselling*, 42, 414-423.
- Ng, H. K., Chen, S. X., Ng, J. C., & Ng, T. K. (2021), Does having multiple identities predict life satisfaction? Holistic thinking as a condition for achieving integrated self-concept. *Current Psychology*, 1-11.
- Okun, O. (2022), The positive face of human capital, psychological capital, and well-being. In *Research anthology on changing dynamics of diversity and safety in the workforce* (pp. 203-222). IGI Global.
- Pathak, D. & Joshi, G. (2021), Impact of psychological capital and life satisfaction on organizational resilience during COVID-19: Indian tourism insights. *Current Issues in Tourism*, 24(17), 2398-2415.
- PEKKURNAZ, D. & ELİTAŞ, Z. (2020), How Does Globalization Explain Life Satisfaction?. *Optimum Ekonomi ve Yönetim Bilimleri Dergisi*, 7(2), 551-564.
- Reese, G., & Kohlmann, F. (2015), Feeling global, acting ethically: Global identification and fair-trade consumption. *The Journal of Social Psychology*, 155(2), 98-106. doi: 10.1080/00224545.2014.992850
- Renger, D. & Reese, G. (2017), From equality-based respect to environmental activism: Antecedents and consequences of global identity. *Political Psychology*, 38(5), 867-879.
- Ruggeri, K., Garcia-Garzon, E., Maguire, Á., Matz, S., & Huppert, F. A. (2020), Well-being is more than happiness and life satisfaction: a multidimensional analysis of 21 countries. *Health and quality of life outcomes*, 18(1), 1-16.
- Scheepers, D., & Ellemers, N. (2019), Social identity theory. *Social psychology in action: Evidence-based interventions from theory to practice*, 129-143.
- Smith, A. D. (1991), *National identity*. University of Nevada Press.
- Van Bavel, J. J., Cichocka, A., Capraro, V., Sjästad, H., Nezlek, J. B., Pavlović, T., ... & Jørgensen, F. J. (2022), National identity predicts public health support during a global pandemic. *Nature communications*, 13(1), 517.
- Villanueva-Flores, M., Diaz-Fernandez, M., Hernandez-Roque, D. & van Engen, M. (2021), Psychological capital and entrepreneurship: gender differences. *Gender in Management: An International Journal*.
- Wagoner, J. A., Belavadi, S., & Jung, J. (2017), Social identity uncertainty: Conceptualization, measurement, and construct validity. *Self and Identity*, 16(5), 505-530.
- Yao, J., Yang, L., Han, X., & Li, Y. (2018), Perceived discrimination and life satisfaction of elderly Chinese people: The chain mediating effects of national identity and sense of community. *Frontiers in Psychology*, 9, 2572.
- Youssef-Morgan, C. M., & Luthans, F. (2015), Psychological capital and well-being. *Stress and health: Journal of the International Society for the Investigation of Stress*.